

دکتر آنتونی جی. توماسینو، یهودیت پیش از عیسی جلسه ۱۱، طومارهای دریای مرده

تونی توماسینو و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر آنتونی توماسینو و آموزه‌های او در مورد یهودیت قبل از عیسی است. این جلسه یازدهم طومارهای دریای مرده است.

بنابراین، کشف طومارهای دریای مرده به عنوان یکی از بزرگترین اکتشافات باستان‌شناسی قرن بیستم و شاید به نوعی هر قرن دیگری مورد بحث قرار گرفته است.

پیدا کردن یک متن دست‌نخورده مثل جام مقدس باستان‌شناسی است، می‌دانید. این واقعاً چیز فوق‌العاده‌ای است چون شما چیزی باستانی دارید. می‌توانید ببینید که چه شکلی بوده، در گذشته چگونه بوده است می‌توانید آن را رمزگشایی کنید، امیدوارم بتوانید، سپس آن را بخوانید، و سپس می‌توانید آن ایده‌ها را برای بحث و جدلهایی که ممکن است ایجاد کنند، ارائه دهید، زیرا اکنون ما دریچه‌ای به دنیای درست قبل از زندگی عیسی مسیح داریم و طومارهای دریای مرده بینش‌های قابل توجهی در مورد این دوره زمانی ارائه می‌دهند.

واقعاً جالب است زیرا وقتی به طومارهای دریای مرده فکر می‌کنیم، و می‌دانم که از یک محقق بسیار مشهور کتاب مقدس، احتمالاً حدود ۲۰ سال پیش، در مورد اینکه طومارهای دریای مرده چه کمکی به مطالعات کتاب مقدس کرده‌اند، سوال شد و او یک دقیقه فکر کرد و گفت، واقعاً نمی‌توانم چیزی به ذهنم برسد. و آن دسته از ما که به طور گسترده طومارها را مطالعه کرده‌ایم، واقعاً چه تاثیری گذاشته‌اند؟ جدی؟ اما تأییراتی که طومارهای دریای مرده بر مطالعه ما نه تنها کتاب مقدس، بلکه یهودیت اولیه گذاشته‌اند را فقط می‌توان انقلابی نامید، زیرا تقریباً هر چیزی که با آن مواجه می‌شویم، تمام ایده‌هایی که در متونی که از قبل می‌دانستیم می‌بینیم، چیزهایی مانند اول و دوم مکابیان و برخی دیگر از متون جعلی، برخی از متون جعلی مانند اول خنوخ و سایر کتاب‌ها، اکنون می‌توان همه این ایده‌ها را از دریچه این نسخه‌های خطی بسیار باستانی که قبلاً در اختیار نداشتیم، دید. پیش از کشف طومارهای دریای مرده، قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی که از مثلاً کتاب خنوخ اول داشتیم، مربوط به قرون وسطی بودند.

همین موضوع در مورد چندین متن دیگر نیز صدق می‌کند. کتاب یوبیل. یوبیل متن بسیار مهمی از فرقه طومار دریای مرده بود. این کتاب در برخی از بخش‌های مسیحیت اولیه بسیار مهم بود. به عنوان مثال کلیسای اتیوپی آن را به عنوان کتاب مقدس در نظر می‌گرفت. اما قدیمی‌ترین نسخه خطی که از کتاب یوبیل داریم، مربوط به حدود سال ۱۲۰۰ میلادی است.

بنابراین، دریافت این متون و یافتن آنها و امکان بررسی آنها، برخی از منتقدانی را که دوست دارند ما باور کنیم که کل کتاب مقدس سه‌شنبه گذشته یا چیزی شبیه به آن نوشته شده است، ساکت کرده است. اما، بدیهی است که اغراق است، اما بله، افرادی بودند که می‌گفتند چیزهایی مانند کتب انبیا تا نزدیک به پایان دوره بین دو عهد نوشته نشده است. افرادی بودند که ادعا می‌کردند دین عهد جدید بیشتر یونانی-رومی است تا یهودی.

این نوع انتقادات مسکوت مانده‌اند. این روزها، ما همه چیز را بررسی می‌کنیم و همه چیز، همه این نظریه‌ها را، با شواهد طومارهای دریای مرده می‌سنجیم. گاهی اوقات، شواهد بسیار مرتبطی در طومارهای دریای مرده برای استدلال‌های ما وجود دارد.

گاهی اوقات، شاید نه چندان. اما در هر صورت، هیچ کس نمی‌تواند بدون داشتن دانش نسبتاً خوبی از آنچه در طومارهای دریای مرده آمده است، در مورد یهودیت اولیه و دوران عیسی چیزی بگوید یا کاری انجام دهد. بنابراین، بیایید در مورد منشأ این چیزها صحبت کنیم.

خب، می‌دانید، طومارها... اگر حدود ۲۰ سال پیش باشید، می‌دانید که طومارهای دریای مرده در آن روزها واقعاً خبرساز بودند. و روی جلد مجله تایم، بله، آنها روی جلد تایم قرار گرفتند. و این، می‌دانید، من به این فکر می‌کنم، نمی‌دانم می‌توانم تاریخ را ببینم یا نه، نه، نمی‌توانم، اما کاملاً مطمئنم که حدود سال ۱۹۹۷ بود.

و اینجا ما اخبار هفتگی جهان را داریم. فکر نمی‌کنم تاریخی برای این هم وجود داشته باشد، اما آنها چه زمانی اخبار هفتگی جهان را منتشر می‌کردند؟ به هر حال، اخبار هفتگی جهان می‌گوید علمای مذهبی ارشد پیشگویی‌های جدیدی از طومارهای دریای مرده را فاش می‌کنند، از جمله اینکه صدام حسین تسلیم می‌شود و به نیوجرسی نقل مکان می‌کند. یک مسیح جدید مردگان را زنده می‌کند، درست است؟ و خیلی چیزهای دیگر از طومارهای دریای مرده.

یادم می‌آید یک کارتون کوچک را که چند سال پیش بریده بودم و در یکی از فایل‌هایم چسبانده بودم، جایی که چند نفر دور هم نشسته بودند و قهوه می‌خوردند و خوراکی‌هایی می‌خوردند، و خانمش می‌گفت، چه کسی حدس می‌زد که چنین دستور پخت براونی فوق‌العاده‌ای در طومارهای دریای مرده پیدا شود؟ به هر حال، طومارها قطعاً توجه عموم و تخیل ما را به خود جلب کرده‌اند، اما کشف طومارهای دریای مرده خب، داستان آن، تا به امروز کاملاً شناخته شده است.

اولین کشف در سال ۱۹۴۷ اتفاق افتاد و نحوه روایت داستان، که تقریباً مطمئناً درست نیست، اما کمی بعد به آن خواهیم پرداخت، اما نحوه روایت داستان این است که یک چوپان بادیه‌نشین در منطقه‌ای نزدیک دریای مرده، جایی که این غارها قرار دارند، زندگی می‌کرده و یکی از گوسفندانش از دامنه این تپه بالا می‌آمده و برای اینکه گوسفندانش را فراری دهد، سنگی برداشته و آن را به سمت گوسفندانش پرتاب کرده و ظاهراً گوسفند خم شده و سنگ از بالای سر گوسفند عبور کرده و وارد غار می‌شود و او صدای شکستن سفال را می‌شنود. بنابراین آن جوان با یکی از دوستانش برمی‌گردند و آن دو از تپه بالا می‌روند و به دامنه این تپه می‌رسند تا جایی که می‌توانند وارد این غار شوند و وقتی به داخل غار می‌رسند، غار را پیدا می‌کنند، زیاد شبیه غار نیست، اما یک غار است، چیزی که پیدا می‌کنند کوزه است. خب، اولین نکته این است که آنها فکر کردند، وای، ما کوزه‌هایی پیدا کردیم، و فکر کردند، می‌دانید، عالی است، می‌توانند آنها را به چند توریست دیوانه آمریکایی بفروشند، اما بعد متوجه شدند که در واقع داخل کوزه‌ها، طومارهایی وجود دارد و حالا واقعاً چیزی گیرشان آمده بود چون کوزه‌ها باحال هستند و از این حرف‌ها و می‌شد کوزه‌ها را به کلکسیونرهای عتیقه فروخت، اما از طرف دیگر، طومارها قابل توجه بودند و پیدا کردن طومار در هر مکانی در آن روزها، خب، مثل پیدا کردن طلا بود.

حالا، دلیل اینکه می‌گوییم آن داستان احتمالاً درست نیست این است که می‌دانیم بادیه‌نشین‌ها اغلب آن غارها را برای هر چیزی که می‌توانستند پیدا کنند و بتوانند در بازار عتیقه‌جات بفروشند، جستجو می‌کردند اما این کار غیرقانونی بود. بنابراین، این افراد حاضر نبودند اعتراف کنند که در آن غار به دنبال گنجینه‌هایی بوده‌اند که بتوانند بدزدند و بفروشند، اما در عوض این داستان مفصل را در مورد سنگ و گوسفند و همه آن چیزهای خوب سر هم کردند، اما در این غار چیزی که پیدا کردند شش طومار بود و یکی از شگفت‌انگیزترین آنها که به بهترین شکل حفظ شده، طومار بزرگ اشعیا، طومار کتاب اشعیا است. اگر امروز به اسرائیل بروید و به زیارتگاه کتاب بروید، جایی که بسیاری از طومارهای دریای مرده نگهداری و حفظ می‌شوند، خواهید دید که این طومار بزرگ اشعیا باز شده و دور ساختمان حلقه زده است.

این ساختمان فوق‌العاده است. شکل آن شبیه انتهای طومار تورات است و وقتی وارد آن می‌شوید، یک ساختمان دایره‌ای بزرگ می‌بینید و در اطراف نمای بیرونی ساختمان، طومار اشعیا باز شده و در آنجا به نمایش گذاشته شده است. کاملاً، خود به خود، کشف بزرگی بود و یکی از اولین چیزهایی که اعلام شد این بود که ما قدیمی‌ترین نسخه کتاب اشعیا را کشف کرده‌ایم.

این یک چیز قابل توجه بود، و این واقعاً هیجان اصلی در ابتدا برای یافتن چنین نسخه قدیمی از کتاب اشعیا بود. حال، علاوه بر کتاب اشعیا، چندین طومار دیگر و یک طومار نسبتاً طولانی دیگر نیز وجود داشت که به عنوان قانون جامعه یا کتابچه راهنمای انضباط شناخته شده است. نظم جامعه چیزی شبیه به چند کلمه اول این متن است، اما قانون جامعه خیلی زود به عنوان یک متدیست لقب گرفت، این برای من کمی خنده دار است، اما یکی از اولین افرادی که به این طومار نگاه کرد و آن را مطالعه و ترجمه کرد، گفت که او را به یاد کتاب انضباط متدیست متحد می‌اندازد و به همین دلیل است که به عنوان کتابچه راهنمای انضباط شناخته می‌شود.

حالا، با آشنایی کامل با «دستورالعمل انضباط»، می‌توانم این شباهت را ببینم. اساساً، این متن، دستوری برای زندگی در یک جامعه فرقه‌ای است، ظاهراً جامعه‌ای که در نوعی مجتمع با هم زندگی می‌کردند.

به نظر می‌رسد آنها فرض می‌کنند که همه اینجا غذایشان را با هم می‌خورند، خودشان را تحت نظم و انضباط قرار می‌دهند، قوانینی دارند در مورد اینکه چه کسی می‌تواند صحبت کند و چه زمانی می‌تواند در زمان شام صحبت کند و آیا می‌تواند در زمان شام صحبت کند، چیزهایی مانند تف کردن، چه زمانی مجاز به تف کردن هستید و چه زمانی مجاز به تف کردن نیستید، و انواع دیگری از این قبیل قوانین که به نوعی کل زندگی افرادی را که در این جامعه زندگی می‌کنند، نظم می‌دهد. بنابراین، این قانون جامعه بود و به سرعت رمزگشایی شد. همانطور که می‌بینید، در وضعیت بسیار خوبی قرار دارد و بنابراین خواندن آن بسیار آسان بود.

عبری این متون برای محققان در واقع بسیار زیبا و خواندن آن بسیار آسان بود، زیرا از این نظر کشف قابل توجهی بود، زیرا عبری واقعاً چیزی بین آنچه در عهد عتیق می‌بینید و آنچه در میشنا، کتاب مقدس یهودیان متون خاخامی که حدود سال ۲۵۰ میلادی تدوین شده‌اند، است. و بله، از بسیاری جهات، عبری طومارهای دریای مرده، به ویژه این متون فرقه‌ای، نشان دهنده نقطه میانی بین این دو نوع عبری است. چندین متن دیگر نیز کشف شد.

همانطور که می‌بینید، تفسیر کتاب حبقوق کمی پراکنده‌تر است و آنقدرها هم واضح و خوانا نیست. ما یک نسخه از طومار جنگ داریم و طومار جنگ متنی نسبتاً قابل توجه است و روایتی از نبرد است که قرار است روزی بین فرزندان نور و فرزندان تاریکی رخ دهد. آپوکریفون پیدایش متنی سرگرم‌کننده است.

اساساً این کتاب، بازگویی داستان‌های سفر پیدایش از زمان نوح تا داستان‌های ابراهیم است و بخش‌هایی از آن به صورت اول شخص روایت می‌شود. بنابراین، ما این داستان شگفت‌انگیز از زمان تولد نوح را داریم که پدر نوح، لمک، در مورد چگونگی ناراحتی‌اش از زیبایی نوزاد می‌گوید، به طوری که مطمئن بود او در واقع، فرزند ناظران، فرشتگان، است و نه پسر خودش. و به این ترتیب، او توانست چهره پسرش را وقتی بزرگ شد ببیند.

اوه، آره، شبیه منه، باشه؟ اما اینجا فقط چند تا افسانه کوچولوی دوست‌داشتنی و چیزهای شگفت‌انگیزی از این دست هست که کتاب پیدایش رو دوباره تعریف می‌کنه. طومار شکرگزاری یه شعر دوست‌داشتنی با موضوع شکرگزاری از خداست.

متن دیگری که اینجا عکسش را ندارم، تارگوم از کتاب ایوب است. تارگوم متنی است، ترجمه‌ای از یک متن عبری به زبان آرامی. و بنابراین، کلمه تارگوم ترجمه شده است.

ترگوم ایوب نیز یکی از این متون اصلی بود. متون موجود در کوزه‌هایشان برای فروش به اورشلیم برده شدند، و در ابتدا توسط یک دلال آثار باستانی خریداری شدند. ما نمی‌دانیم که او چقدر برای آنها پول داده است. اما او آنها را به اسقف ارتدکس منطقه اورشلیم، شخصی به نام مارس ساموئل، فروخت.

و او ظاهراً آنها را به قیمت صد دلار فروخت. خوب، این مربوط به سال ۱۹۴۷ است، می‌دانید، تورم و از این قبیل چیزها. اما مارس ساموئل کشف متون را اعلام کرد و توجه تعدادی از مردم را به آنها جلب کرد.

او آنها را به مدرسه آمریکایی در اورشلیم برد، جایی که تعدادی از محققان مختلف آنها را مطالعه کردند. و در ابتدا نظرات متفاوتی وجود داشت. برخی افراد فکر می‌کردند که آنها جعلی هستند، به خصوص آن کتاب اشعیا، زیرا با صدای بلند فریاد می‌زد، آنقدر زیبا، آنقدر مرتب، که انگار هفته پیش نوشته شده بود، می‌دانید.

و بنابراین تعدادی از مردم ادعا می‌کردند که این متون واقعی نیستند. افراد دیگری هم بودند که می‌گفتند اوه، آنها کاملاً واقعی هستند. این بحث ادامه یافت و توسط یک باستان‌شناس بسیار مشهور آمریکایی به نام آلبرایت، که اعلام کرد آنها معتبر هستند، به نوعی حل و فصل شد.

وقتی آلبرایت مهر تأیید خود را بر طومارهای دریای مرده زد، بحث تمام شد. آنها معتبر بودند. حالا مارس ساموئل می‌داند که همه به طومارهای دریای مرده او علاقه‌مند هستند، و بنابراین می‌خواهد آنها را بفروشد.

البته، او می‌خواهد سود منصفانه‌ای به دست آورد، بنابراین آنها را به قیمت یک میلیون دلار در بازار عرضه می‌کند. اما هیچ خریداری پیدا نمی‌کند. هیچ کس آنها را نمی‌خرد.

دلایل این بود که آنها یک جنجال سیاسی بودند. طومارها در اردن، منطقه‌ای که تحت کنترل اردن بود، پیدا شدند و سپس به اسرائیل آورده شدند. بنابراین، آنها به عنوان اموال قاچاق در نظر گرفته شدند.

می‌دانید، شما که دنبال خرید اموال قاچاق نیستید. در نهایت، یک دانشمند یهودی بسیار برجسته به نام الیزر سوکنیک طومارها را از طریق یک واسطه خریداری کرد. آنها بسیار سری، بسیار خصوصی و پنهان بودند و او آنها را به قیمت ۲۵۰،۰۰۰ دلار خرید. بنابراین مارس ساموئل قطعاً از این طریق سود هنگفتی به دست آورد.

اما البته، این به هیچ وجه مانع از جنجال نشد، زیرا اردن، سال‌ها بعد، ادعا می‌کرد که آن طومارها متعلق به ما هستند. و اسرائیل می‌گفت، آنها طومارهای یهودی هستند، آنها بدیهی است که اصلاً با آنها چه می‌خواهید، می‌دانید، آنها گذشته ما هستند. بنابراین این، آن، آن واقعاً برای دهه‌ها ادامه یافت.

حالا، طومارهای بیشتری توسط آن بادیه‌نشین‌ها و در نهایت توسط باستان‌شناسان پیدا شد و از سال تا ۱۹۵۶ در بازار ظاهر شد. یکی از اتفاقات کوچک و خنده‌داری که در این مدت رخ داد این بود که ۱۹۵۲ سازمان آثار باستانی اسرائیل گفت که به بادیه‌نشین‌ها پول می‌دهد تا طومارها را برایشان بیاورند، نه اینکه آنها را به این دلالتان عتیقه‌جات بازار سیاه ببرند، و گفتند که آنها را با قیمت مشخصی برای هر سانتی‌متر مربع می‌فروشند. خوب، اتفاقی که افتاد این بود که بادیه‌نشین‌ها سپس طومارها را به سانتی‌متر مربع برش می‌دادند. و هر بار یک سانتی‌متر مربع می‌آوردند.

بنابراین، همانطور که این طومارها وارد می‌شدند، و همه از دیدن این طومارها که مشخص بود عمداً بریده شده‌اند، کلافه شده بودند، موهایشان را سیخ می‌کردند، آنها یکی از آن افراد، یکی از بادیه‌نشین‌ها، را به نوازش‌های ملایم خود گرفتند و او را متقاعد کردند که آنها را به جایی که این طومارها پیدا می‌شدند، ببرد. و بنابراین، در این مرحله، نوعی گذار رخ داد و آنها واقعاً شروع به بررسی این چیزها کردند، و بیشتر کاوش‌های علمی باستان‌شناسی انجام دادند. حالا می‌توانستند ببینند که طومارها کجا هستند.

آنها می‌توانند درباره لایه‌ها و تمام چیزهای شگفت‌انگیزی که باستان‌شناسان دوست دارند انجام دهند صحبت کنند. مجموعه اصلی طومارها در غار شماره ۴ پیدا شد که در سال ۱۹۵۲ کشف شد. و اینجا غاری است که درست در آنجا قرار دارد، و دسترسی به آن در زمان ما کمی دشوار است.

رسیدن به آنجا در قدیم هم کمی سخت بود، بنابراین گمانه‌زنی‌های زیادی در مورد چگونگی ورود آن طومارها به آن غار وجود داشته است. و می‌توانیم تصور کنیم که شاید آنها از کنار دیوار پایین آمده‌اند، یا چیزی شبیه به این. و البته، چرا طومارها را در آن غارها قرار داده‌اند؟ این یک سوال بزرگ دیگر است، اما فکر می‌کنیم ممکن است پاسخ آن را داشته باشیم.

کمی بعد در موردش صحبت می‌کنم. در نهایت، بادیه‌نشین‌ها برای دولت کار می‌کنند تا طومارها را پیدا کنند. در مجموع یازده غار کشف شده که حاوی قطعاتی از طومارها هستند.

بعضی از قطعات غار ۴ واقعاً خیلی کوچک و فرسوده هستند، و قطعات دیگر طومار خیلی بزرگتر و خیلی سالم‌ترند. بنابراین، همه طومارها درست در همین منطقه، همین جا، کشف شده‌اند. غار ۱، غار ۴، غار ۱۱. و بعد چند غار کوچک‌تر هم هستند که طومارهای کمتری دارند، اما یافته‌های مهمی هم دارند، ۱۱.

جالب اینجاست که در ماسادا هم تعدادی طومارها پیدا شد. و در ناهل هور هم طومارهای دیگری کشف شد، اما مربوط به دوره‌ی جدیدتری هستند. بنابراین، این منطقه در امتداد دریای مرده بسیار خشک است و به همین دلیل، به دلیل خشکی منطقه، این طومارها می‌توانستند سالم بمانند.

از بیشتر مناطق سراسر اسرائیل، هر چیزی شبیه به این، مدت‌ها پیش به خاک تبدیل شده بود، اما در آنجا در کنار دریای مرده، آنها حفظ شدند. بنابراین، در مجموع، ما یازده غار، حدود 30000 قطعه طومارها داریم. ما معتقدیم که این طومارها حدود 900 متن مختلف را شامل می‌شوند.

تعدادی متن مختلف اینجا پیدا می‌کنیم. حالا، باید یک دقیقه مکث کنم و کمی در مورد فرآیند پیدا کردن کنار هم گذاشتن این چیزها صحبت کنم. می‌دانید، وقتی این طومارها در ابتدا پیدا می‌شوند، البته، باید بگویم که این روزها هیچ‌کس، تعداد بسیار کمی از مردم، واقعاً خودشان طومارها را مطالعه نمی‌کنند.

ما طومارها را از روی صفحات عکاسی مطالعه می‌کنیم، که معمولاً از خود متون واضح‌تر هستند، اما می‌توانید تصور کنید که مردم وقتی 30,000 قطعه طومارها دارند و این طومارها شامل حدود 900 متن هستند، چه وظیفه‌ای داشتند. بنابراین، فرض کنید 900 پازل بردارید. حدود نیمی از قطعات را برمی‌دارید و آنها را دور می‌اندازید.

جعبه‌ها را برمی‌داری، دور می‌اندازی، و بعد می‌گویی، بیایید پازل‌هایمان را کنار هم بگذاریم. بله، یک فرآیند طولانی و سخت بود، و حتی تا به امروز، در دفتر خاطرات می‌بینی که کسی اعلام می‌کند، آه، من یک عضو جدید پیدا کردم! و همه، هورا، یک عضو جدید! آنها کشف کردند که بخش کوچکی از یک طومار روی یک عکس متعلق به متن دیگری است. ما این چیزها را بر اساس چیزهایی مانند دست‌خط، مثلاً، مطابقت می‌دهیم.

موضوع یکی دیگر از موارد مهم است. اگر متن کتاب مقدس باشد، خب، البته، این آسان است زیرا ما کتاب مقدس را می‌شناسیم و این متون بسیار شبیه کتاب مقدسی هستند که با آن آشنا هستیم. اما گاهی اوقات چیزی که پیدا می‌کنیم این است که، به ویژه در مورد آن طومارهای اولیه‌ای که وارد می‌شدند، که از جاهای مختلف آورده می‌شدند، ما حتی نمی‌دانستیم از کدام غارها آمده‌اند.

بنابراین، فهمیدن اینکه چگونه آنها را دوباره کنار هم قرار دهیم و این چیزها را دوباره سرهم کنیم، یک چالش بزرگ بود. بنابراین، بیایید در مورد این متون کتاب مقدس صحبت کنیم، زیرا، همانطور که گفتم، اینها متونی بودند که واقعاً در ابتدا توجه همه را به خود جلب کردند. در بیشتر موارد، بیشتر نسخه‌های خطی عبری عهد عتیق مربوط به قرون وسطی هستند.

عدد دقیق را به خاطر نمی‌آورم، اما معتقدم که قدیمی‌ترین نسخه خطی عبری از کل عهد عتیق مربوط به حدود هزار سال پس از میلاد است، فکر می‌کنم درست در همان دوره. بنابراین، با کشف طومارهای دریای مرده، ما نسخه‌هایی از کتاب مقدس به زبان عبری، به زبان‌های اصلی، داریم که هزار سال قدیمی‌تر از هر چیزی است که قبلاً داشتیم. و البته، تفکر اولیه در میان شکاکان این بود که، آهان، حالا خواهیم دید که چگونه همه آن افراد کتاب مقدس را در طول اعصار تغییر داده‌اند.

در عوض، چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که آنها این کار را نکردند. در طول هزار سال، کتاب مقدس در واقع بسیار بسیار کم تغییر کرده است. و این گواهی واقعی بر این است که کاتبانی که کار رونویسی، ترجمه - همانطور که می‌دانید، کتاب مقدس به زبان‌های مختلف ترجمه شده است - و انتقال متن از نسلی به نسل دیگر را انجام می‌دادند، چقدر دقیق و موشکاف بودند.

اما، وقتی به این متون اینجا نگاه می‌کنیم، ۱۹ نسخه خطی مختلف از کتاب پیدایش. البته، همه این نسخه‌های خطی کامل نیستند. در واقع، هیچ یک از این نسخه‌های خطی کامل نیستند.

تنها نسخه‌ای که تقریباً کامل است، طومار بزرگ اشعیا است. اما بیشتر آنها بخش‌هایی از کتاب‌های کتاب مقدس هستند. بنابراین، وقتی می‌گوییم ۱۹ نسخه از کتاب پیدایش داریم، منظورمان این است که ۱۹ نسخه خطی مختلف داریم که آنها را به عنوان نسخه‌های کتاب پیدایش شناسایی کرده‌ایم.

و برخی از آن نسخه‌های خطی ممکن است فقط از چند خط تشکیل شده باشند. ۱۷ نسخه از خروج، ۱۳ نسخه از لاویان، ۷ نسخه از اعداد. به کتاب تثنیه نگاه کنید.

نسخه از کتاب تثنیه پیدا شده است. کتاب تثنیه همچنین در طومارهای دریای مرده زیاد نقل شده. ۳۰ است، و حتی متنی وجود دارد که ما آن را طومار معبد می‌نامیم که ظاهراً بر اساس کتاب تثنیه نوشته شده و به نوعی تفسیری بر کتاب تثنیه است. آنها عاشق کتاب تثنیه بودند.

دو نسخه از یوشع، سه نسخه از داوران، چهار نسخه از اول و دوم سموئیل، سه نسخه از اول و دوم پادشاهان، ۲۱ نسخه از اشعیا. بدیهی است که آن نیز برای این مردم متن مهمی بوده است. شش نسخه از ارمیا، شش نسخه از حزقیال، ۱۲ نسخه از دوازده پیامبر.

دوازده پیامبر در سنت یهود، مادامی که کتاب مقدس بوده‌اند، همیشه در یک طومار واحد نوشته می‌شدند. بنابراین، اگر یک قطعه از یکی از پیامبران کوچک، مثلاً کتاب هوشع، را پیدا کنیم، آن را به عنوان یک طومار کامل از دوازده پیامبر در نظر می‌گیریم. ۳۶ نسخه از مزامیر، دو نسخه از امثال.

حالا، اینطور نیست که این افراد امثال را دوست نداشتند. آنها عاشق امثال بودند. در واقع، آنها تعداد زیادی از امثال خودشان را نوشتند، اما نسخه‌های زیادی از کتاب امثال نداشتند.

چهار نسخه از کتاب ایوب، چهار نسخه از غزل غزل‌های سلیمان، که جالب است زیرا طبق میثنا، ربی‌ها هنوز در مورد اینکه آیا غزل غزل‌های سلیمان اصلاً باید در کتاب مقدس باشد یا نه، بحث می‌کردند. آنها در این مورد سوالاتی داشتند. چهار نسخه از روت، چهار نسخه از مراثی، دو نسخه از جامعه، هیچ نسخه‌ای از کتاب استر وجود ندارد.

یه دقیقه دیگه توضیح میدم. هشت نسخه از کتاب دانیال. حالا، اگرچه به نظر میاد تعداد نسخه‌های دانیال زیاد نیست، باید اشاره کنم که تعدادی متن شبه دانیال هم وجود داشت، متونی که ادعا می‌کنند توسط دانیال نوشته شده‌اند یا ادعا می‌کنند که توسط دانیال نوشته شده‌اند، یا ماهیت دانیالیک دارند، که از تصاویر دانیال استفاده می‌کنند، از جمله برخی از بحث‌برانگیزترین طومارها.

در این دوره، درست قبل و در زمان عیسی، کتاب دانیال واقعاً موضوع مهمی بود. منظورم این است که آن زیان پادشاهی خدا که توسط عیسی استفاده می‌شد، فکر می‌کنید او آن را از کجا آورده است؟ او آن را از کتاب دانیال گرفته است. عزرا و نحمیا، این یکی کمی بحث‌برانگیز است زیرا برخی فکر می‌کنند که بخشی از آن را دارند و برخی دیگر، هوم

اما عزرا و نحمیا معمولاً توسط یهودیان یک کتاب واحد و یک نسخه از بخشی از اول و دوم تواریخ در نظر گرفته می‌شدند. پس چرا هیچ کتابی از استر وجود ندارد؟ خب، چیزی که کمی بعد، با بررسی برخی از این متون دیگر از طومارهای دریای مرده، متوجه خواهیم شد این است که این افراد بسیار بسیار با ازدواج یهودیان با غیریهودیان و با افراد غیریهودی مخالف بودند. و کتاب استر در مورد چگونگی ازدواج یک زن یهودی با پادشاه بت‌پرست و نجات کشورش است.

این نوع پیامی نبود که این افراد علاقه‌ای به شنیدن آن داشته باشند. و وقتی به فهرست تعطیلات آنها نگاه می‌کنیم، به دلایلی پوریم در آن فهرست نیست. حدود ۲۰۵ پیامک دریافت کردیم و ممکن است این تعداد اخیراً تغییر کرده باشد زیرا ما دائماً در حال اصلاح این موارد هستیم.

این تقریباً آخرین چیزی بود که در موردش می‌دانستم. علاوه بر متون کتاب مقدس، آپوکریفا و پسودپیگرافا نیز وجود دارند که قبلاً شناخته شده بودند. حالا، اینجا در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ خب، من کمی در مورد کتاب‌های آپوکریفا صحبت کردم، البته در مورد اینکه آپوکریفا کتاب‌هایی هستند که معمولاً در این دوره زمانی که ما آن را دوره بین دو عهد می‌نامیم نوشته شده‌اند.

آنها به زبان یونانی در ترجمه سپتواجینت حفظ شده بودند. یهودیان آنها را جزو کتاب مقدس نمی‌دانستند. یهودیان آنها را حفظ نمی‌کردند.

و بنابراین هیچ نسخه عبری یا آرامی از هیچ یک از این کتاب‌ها وجود نداشت. کمی بعدتر ترجمه‌های دیگری از برخی از آنها وجود دارد. بنابراین، ما آن چیزها را داریم.

ما همچنین کتاب‌هایی داریم که آنها را پسودپیگرافا می‌نامیم، که به این دلیل حفظ شده‌اند که کسی آنها را به عنوان کتاب مقدس می‌دانسته است. کتاب‌های اصلی که در اینجا در مورد آنها صحبت می‌کنم، کتاب اول خنوخ و کتاب یوبیل‌ها هستند. کتاب اول خنوخ و یوبیل‌ها عمدتاً توسط کلیسای اتیوپی حفظ و به قبطی ترجمه شده‌اند.

این کتاب‌ها همچنین در برخی مناطق دیگر کلیسا و برخی دیگر از گروه‌های ارتدکس و غیره نگهداری می‌شدند. اما ما هیچ نسخه خطی از این کتاب‌ها که قدمت آن به قبل از قرون وسطی برگردد، نداشتیم. بنابراین، آنچه در میان طومارهای دریای مرده یافتیم چیست؟ پنج نسخه از کتاب توبیت

کتاب بن سیراخ، سیراخ، حکمت بن سیراخ. من به آن اشاره کردم، یک کتاب فوق‌العاده از امثال و غیره. نامه ارمیا.

مزمور ۱۵۱ کمی غافلگیرکننده است، چون مزمور ۱۵۱ تقریباً از بعضی جهات شبیه یک اثر یونانی به نظر می‌رسد، اما اینجا در میان طومارهای دریای مرده دیده می‌شود. «سودپیگرافا»، ۲۰ نسخه خطی از کتاب اول. خنوخ. آنها این کتاب را دوست داشتند

بله. جوبیلی‌ها، ۱۶ نسخه. و باز هم، تأثیر جوبیلی‌ها و به ویژه تقویم جوبیلی گسترده است

بسیاری از محققان معتقدند که یوبیل‌ها ممکن است یکی از اولین کتاب‌های چیزی باشد که ما آن را پسودپیگرافا می‌نامیم و قطعاً بر نگارش کتاب اول خنوخ و سایر کتاب‌ها در این میان تأثیر گذاشته است. یوبیل‌ها، همانطور که مدت‌ها پیش اشاره کردم، اما احتمالاً فراموش کرده‌اید، نوعی تاریخ اوایل اسرائیل است و تاریخ را به این دوره‌های ۴۹ ساله یوبیل تقسیم می‌کند. و بنابراین، می‌گوید این اتفاق در یوبیل اول رخ داده و در یوبیل دوم این اتفاق افتاده و در یوبیل سوم طوری نوشته شده است که گوی وحی موسی است.

و برخی از مضامین اصلی کتاب یوبیل‌ها، دغدغه‌های اوایل دوران حشمونائی را منعکس می‌کند. بنابراین، ما مواردی مانند اهمیت کاهنان را می‌بینیم. مواردی مانند ازدواج نکردن با بیگانگان را می‌بینیم

این موضوع مهمی در جشن‌های جوبیلی است. ما ایده‌هایی در مورد تقویم می‌بینیم و من قصد دارم چند دقیقه دیگر در مورد تقویم بیشتر صحبت کنم، اما اختلاف نظر بسیار شدیدی بین گروه‌های مختلف یهودی در مورد اینکه آیا باید از تقویم قمری یا تقویم خورشیدی استفاده کرد، وجود داشت. و این یک نقطه اختلاف عمده بود.

بنابراین، یوبیل می‌گوید که ما از تقویم خورشیدی استفاده می‌کنیم نه تقویم قمری. اگر چیزی در مورد یهودیت بدانید، آنها تا به امروز همچنان از تقویم قمری یا آنچه ما تقویم قمری-شمسی می‌نامیم برای مراسم مذهبی خود استفاده می‌کنند. به هر حال، عهد دوازده پاتریارک وجود دارد که شناخته شده بود

شش نسخه از این و این یکی کمی مشکوک‌تر است زیرا نسخه‌ای که در طومارهای دریای مرده داریم واقعاً با نسخه‌های بعدی که به زبان یونانی حفظ شده‌اند کاملاً متفاوت است. بنابراین حدود ۵۰ متن در این دسته قرار می‌گیرند. آثاری که ما از قبل می‌دانستیم وجود دارند اما فقط به صورت ترجمه شده به زبان‌های یونانی و اتیوپیایی و در برخی موارد به زبان‌های لاتین یا سایر زبان‌ها نیز موجود هستند

، حالا ما آنها را به زبان‌های اصلی‌شان داریم. جالب نبود؟ متون یهودی که قبلاً ناشناخته بودند. این متون اول از همه، شامل برخی از آثار مذهبی عمومی هستند که شامل برخی داستان‌ها و برخی از کتاب مقدس بازنویسی شده می‌شوند. منظور ما از کتاب مقدس بازنویسی شده زمانی است که شما یک داستان کتاب مقدس را می‌گیرید و آن را با کلمات خودتان و معمولاً با اضافه کردن چیزهای زیادی به آن و انجام آن به روش‌های جدید و متفاوت، روایت می‌کنید

شعرها. کلی شعر. بعضی شعرهای زیبا، بعضی‌هاشون

و ادبیات حکمت‌آمیز. ادبیات حکمت‌آمیزی که شامل ضرب‌المثل‌های زیاد، پند و اندرزهای فراوان است که در آن‌ها فقط سعی دارید به مردم بگویید، هی پسر، با آن زنان بد معاشرت نکن، می‌دانی که این کار برایت غم و اندوه به بار می‌آورد و از این قبیل چیزها. متون غیرمذهبی

تعدادی از این موارد وجود دارد. تعدادی قرارداد و نامه و چیزهایی از این قبیل وجود دارد، از جمله متنی بسیار قابل توجه، چیزی که ما آن را طومار مسی می‌نامیم، که در طول سال‌ها موضوع بحث و جدل بوده است، اما طومار مسی متنی است که ظاهراً فهرستی از گنجینه‌هایی است که در جایی پنهان شده‌اند. این متن به جای مواد نوشتاری معمول که آنها استفاده می‌کردند، روی مس نوشته شده بود و برای مدت طولانی تصور می‌شد که شاید حتی واقعی هم نباشد، می‌دانید، زیرا میزان ثروتی که در این متن ثبت شده است، بسیار قابل توجه به نظر می‌رسد و یکی از محققان طومارهای اولیه آن را به عنوان هدیان‌های دیوانه‌وار یک اسنی توصیف کرد.

مثل این است که، خب، چه کسی حاضر می‌شود تمام زحمت حکاکی یاوه‌گویی‌های دیوانه‌وار را روی یک تکه مس به خود بدهد، درست است؟ بنابراین، ما در این مرحله معتقدیم که نظر اجماع این است که این متن معتبر است. اینکه روی مس نوشته شده است زیرا آنها می‌خواستند آن را حفظ کنند و به احتمال زیاد سابقه‌ای از اشیاء است که از معبد اورشلیم برداشته شده و سپس در جاهای دیگر پنهان شده‌اند، احتمالاً در آغاز شورش بزرگ.

سپس متون فرقه‌ای را داریم. متون فرقه‌ای شامل متونی است که مربوط به جامعه قمران است. کلمه خودشان «یهد» بود که به معنی جامعه ترجمه می‌شود. «یهد» از همان ریشه کلمه عبری است که به معنی یک است. بنابراین «یهد» به معنی وحدت یا یک جامعه است و مربوط به معلم عدالت آنها است. اینها شامل چیزهایی مانند قوانین است. چندین قانون مختلف وجود دارد.

قانون جامعه‌ای که من در مورد آن صحبت کردم، تنها بزرگترین و کامل‌ترین قانون است، و باید بگویم که این قوانین همیشه در جزئیات کاملاً با یکدیگر موافق نیستند. در اینجا برخی از زمینه‌های واگرایی بین آنها وجود دارد.

یکی دیگر از اتفاقات عجیب، کشف سند یا لوح فشرده دمشق بود که قبلاً به عنوان یک سند زادوکیت منتشر شده بود.

و چیزی که کل این ماجرا را عجیب می‌کند و گاهی اوقات باعث انفجار سر ما می‌شود این است که؟ در دهه در کاوش‌های یک کنیسه در مصر، یکی از متونی که کشف شد، این سند طولانی بود که در مورد این ۱۸۰۰ گروه صحبت می‌کرد که از یهودیان جدا شده و به دمشق رفته و در بیابان زندگی کرده و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. این فهرستی از قوانین مختلف آنها و ایده‌هایشان در مورد آینده و غیره بود. همانطور که گفتم،

این سند در اواخر دهه ۱۸۰۰ منتشر شد، زیرا آنها آن را سند زادوکیت می‌نامیدند، زیرا فکر می‌کردند که شبیه آموزه‌های صدوقیان است. سپس، ناگهان، ما یک نسخه از این چیز را در طومارهای دریای مرده، بسیار زودتر از نسخه‌ای که در قاهره در خرابه‌های کنیسه کشف شده بود، کشف می‌کنیم.

و بنابراین، ما با این بخش از آنچه می‌توانیم بگویم، مواجه می‌شویم؟ انواع سوالات بسیار فنی، مانند این واقعیت که کنیسه‌ای که این‌ها در مصر در آن کشف شده‌اند، یک کنیسه یهودی خاخامی نبوده است. این یک کنیسه یهودی قرائی بود، و قرائی‌ها یک جنبش یهودی بودند که درست قبل از قرون وسطی بسیار بزرگ

شدند و به نوعی رقیب یهودیت خاخی بودند، که البته در نهایت پیروز شدند.

اما آیا قرائی‌ها نوعی ارتباط با گروه طومارهای دریای مرده داشتند؟ اگر نداشتند، پس با یکی از متون خود چه می‌کنند؟ تا آنجا که می‌توانیم بگوییم، اعتقادات قرائی‌ها مانند اعتقادات فرقه طومارهای دریای مرده نبود بنابراین، همانطور که گفتیم، ما فقط دست‌هایمان را بالا می‌بریم و می‌گوییم نمی‌دانیم، نمی‌فهمیم. چرا آنها این چیز را نگه داشتند؟ به

هر حال، تفاسیر کتاب مقدس نیز همینطور است و ما قبلاً در مورد تفسیر حقوق صحبت کردیم، این نوع تفاسیر پیش‌بینی نامیده می‌شوند. کلمه پیش‌بینی به سادگی به معنای تفسیر است. اما دلیل اینکه آنها پیش‌بینی نامیده می‌شوند، به دلیل شکل منحصر به فرد این موارد است. روشی که آنها این کارها را انجام می‌دهند این است که آیه‌ای از کتاب مقدس را نقل می‌کنند و سپس می‌گویند پیش‌بینی، که به معنی تفسیر آن است. سپس ادامه می‌دهند و تفسیری از آن آیه ارائه می‌دهند.

این متون خاص تقریباً مختص متونی هستند که آنها نبوی می‌دانستند. آنچه آنها نبوی می‌دانستند و آنچه ما نبوی می‌دانیم همیشه یکسان نبود.

برای مثال، تفسیری بر کتاب مزامیر وجود دارد به همان شکلی که آنها مزامیر را نبوی می‌دانستند که جالب است زیرا ممکن است در کتاب اعمال رسولان در روز پنطیکاست به یاد داشته باشید که پطرس موعظه می‌کند و می‌گوید که ما می‌دانیم که داوود پیامبر بود و او این سخنان را نگفت. او از مزامیر خودش نقل قول می‌کند، اما آنها را از مسیح که قرار بود بیاید، بیان می‌کند، بنابراین فرقه طومارهای دریای مرده دیدگاه مشابهی با پطرس داشتند که کتاب مزامیر یک اثر نبوی است. اما

تعدادی دیگر نیز وجود دارد، و معمولاً آنها تفسیرهایی از این متون هستند. همه آنها چیزی را که در زندگی برخی از QMMT خود فرقه اتفاق می‌افتد، پیشگویی می‌کنند. نامه‌ها. ما نامه‌هایی داریم، و من قبلاً به 4 اعمال قانون اشاره کرده‌ام، و

متون جادویی داریم. اوه، بله، جادو، برخی طلسم‌ها. ما طلسم‌هایی داریم که آنها برای دفع ارواح شیطانی و چیزهایی از این قبیل استفاده می‌کردند. می‌دانید، این چیزی است که ما اغلب دوباره به آن فکر نمی‌کنیم. این چیزی است که بسیاری از ما واقعاً در مورد جهان باستان خاور نزدیک درک نمی‌کنیم، تا حدی به دلیل گزینشی بودن منابعمان، همانطور که می‌دانید. نویسندگان عهد عتیق به جادو اعتماد نداشتند. اما می‌توانید مطمئن باشید که مردم عادی انواع طلسم‌ها و چیزهای جادویی را انجام می‌دادند. این تقریباً در سراسر جهان باستان وجود داشت، و بنابراین از طومارهای دریای مرده می‌بینیم که یهودیان از این امر مصون نبودند، و حتی یک فرقه یهودی بسیار سختگیر مانند فرقه طومارهای دریای مرده، جادو را به روش‌های خود انجام می‌دادند، البته نه جادوی سیاه.

می‌دانید که این چیز دیگری است. می‌دانید، جادوی سیاه زمانی است که شما از طلسم‌ها برای نفرین کردن مردم و چیزهایی از این قبیل استفاده می‌کنید. می‌دانید که این طلسم‌ها در درجه اول برای چه مواردی بودند، مثلاً برای دفاع از خود در برابر ارواح شیطانی یا دفع ارواح یا شاید چیزهایی که قرار است بیماری‌ها را درمان کنند و از این قبیل چیزها، چیزهایی که ما جادو می‌دانیم. آنها برخی از آنها را بیشتر شبیه علم می‌دانستند، اما به هر حال، بنابراین نباید در مورد چیزهایی مانند، خب، مهم نیست، خیلی ناراحت شویم.

به آنجا نمی‌رسیم، اما بیاید فقط برای یک دقیقه در مورد طالع بینی صحبت کنیم. ما قبلاً برخی از طالع بینی‌ها را دیده‌ایم. ما در مورد طالع بینی و اینکه چگونه طالع بینی در نهایت به یک موضوع واقعاً مهم برای یهودیت تبدیل شد، صحبت کردیم. خب، ما قبلاً شاهد این اتفاق در طالع بینی‌های دریای مرده هستیم و

تعدادی متن در طالع بینی‌ها وجود دارد که طالع بینی برای افراد در گروه است.

یکی از متون این بوده که شخصیتی وجود دارد که طالع بینی او طوری طراحی شده که مردم آن را به عنوان یک شخصیت ضد مسیح توصیف کرده‌اند، زیرا آنها... یکی از کارهایی که انجام می‌دهند این است که علاوه بر زمان تولد افراد،... آنها همچنین کارهایی مانند قیافه شناسی انجام می‌دهند، که مثلاً به برآمدگی‌های سر و ویژگی‌های صورت و از این قبیل چیزها نگاه می‌کنند. همچنین چیزهایی

وجود دارد که نشان می‌دهد آنها علائمی هستند که با تولد آنها همراه بوده‌اند، اما آنها در مورد این شخص صحبت می‌کنند که می‌گویند او فردی بوده که بدنش به هفت قسمت تقسیم شده و برخی از آن قسمت‌ها نور و برخی از آن قسمت‌ها تاریکی است. شما یک نفر را دارید که کاملاً تاریک است، می‌دانید و افراد دیگری که تقریباً کاملاً نور هستند. بنابراین، اکثر مردم در جایی بین این دو قرار می‌گیرند.

بنابراین بیاورید در مورد متون کتاب مقدس صحبت کنیم زیرا این موضوع برای بسیاری از مردم در زمان کشف این متون واقعاً مهم بود و من فکر می‌کنم که بسیاری از هیجان‌ات در مورد متن کتاب مقدس در طول اعصار فروکش کرده است. واقعاً نباید اینطور می‌شد زیرا این چیزی است که هنوز برای ما بسیار مهم است. بنابراین، قبل از کشف طومارهای دریای مرده، ما چه متونی داشتیم؟ چه مبنایی برای درک قدمت کتب مقدس داشتیم؟ باز هم، شما شاهد افرادی خواهید بود، شکاکان. شما در اینترنت مطالعه می‌کنید، افرادی را می‌بینید که می‌گویند کتاب مقدس در طول اعصار توسط یک مشت پیرمرد که فقط سعی در کنترل مردم داشتند و از زنان متنفر بودند و از این قبیل چیزها نوشته و بازنویسی و بازنویسی شده است. حتی از قبل از زمان طومارهای دریای مرده، می‌توانیم به راحتی نشان دهیم که این کار بالدرdash بوده است. منظورم این است که ما نسخه‌های خطی از سبتوآجینت، ترجمه یونانی عهد عتیق، داریم که به حدود اواخر قرن دوم میلادی برمی‌گردد. بنابراین، شکی در این واقعیت نیست که از زمان‌های بسیار قدیم، آنها تقریباً تصمیم گرفته بودند که این متن از چه چیزی تشکیل شده باشد.

ما نسخه‌های خطی ولگاتا داریم که ترجمه لاتین عهد عتیق بود و قدیمی‌ترین این نسخه‌های خطی مربوط به حدود ۷۰۰ میلادی است. حالا، ما می‌دانیم که ولگاته خیلی زودتر از آن ترجمه شده است. جروم که مسئول ولگاته بود، فکر می‌کنم شاید ۴۳۰ میلادی کار کرده باشد. به هر حال، در حدود آن دوران و زمانی که او کارش را انجام می‌داد، یک ترجمه لاتین از کتاب مقدس وجود داشت، اما کافی نبود. بنابراین، جروم کار خود را برای ترجمه بهتر آغاز کرد، اما باز هم، اولین نسخه خطی ما مربوط به حدود ۷۰۰ میلادی است. ما ترجمه‌های سریانی از کتاب مقدس داریم. سریانی یک زبان آرامی است و اینها از قرن ششم تا هفتم میلادی آمده‌اند، خوب، و سپس متن ماسورتی می‌آید.

این متنی است که واقعاً پایه و اساس هر ترجمه مدرن از عهد عتیق را تشکیل می‌دهد: متن ماسورتیک. خوب، کلمه ماسورتیک از کلمه ماسورا می‌آید که به معنی سنت است، درست است؟ این افرادی هستند که روی این کار کردند. گروهی از محققان به نام ماسوریت‌ها مسئول تولید این چیز بودند و یکی از چیزهایی که آنها در مورد عهد عتیق در ذهن دارند این است که آنها قطعات موزه‌ای تولید نمی‌کردند. هدف آنها این نبود آنها نسخه‌های خطی تولید می‌کردند که قرار بود در کنیسه‌ها استفاده شوند و خوانده و لمس شوند، و وقتی متنی را می‌خوانید و لمس می‌کنید، متن فرسوده می‌شود. آنها با متون فرسوده چه می‌کردند؟ آنها را دفن می‌کردند. آنها را دور می‌ریختند و با احترام با آنها رفتار می‌کردند زیرا هر چیزی که نام خداوند روی آن بود مقدس تلقی می‌شد. بنابراین، آنها در مورد این متون و کاری که با آنها انجام می‌دادند بسیار مراقب بودند. اما، در بیشتر موارد، آنها را فقط روی قفسه‌ای در جایی نمی‌گذاشتند و اجازه نمی‌دادند گرد و غبار جمع شود، وقتی متنی فرسوده می‌شد.

بنابراین قدیمی‌ترین متنی که از ماسوریت‌ها داریم، یعنی قدیمی‌ترین نسخه خطی عبری عهد عتیق، مربوط به حدود سال ۹۰۰ میلادی است. همانطور که گفتیم، متن اصلی که ما استفاده می‌کنیم متن ماسوریتی است. این پایه و اساس هر ترجمه مدرنی است و یکی از چیزهایی که مردم واقعاً در مورد آن هیجان‌زده بودند این است که قرار است به متون عبری اصلی در طومارهای دریای مرده نگاهی بیندازیم و ببینیم که ماسوریت‌ها چقدر ممکن است در طول اعصار آنها را تغییر داده باشند. خب، دوباره، ما قبلاً ترجمه هفتادگانی را داشتیم.

ما ترجمه‌های لاتین را داشتیم. می‌دانستیم که آنها در کارشان بسیار خوب هستند، اما واقعاً طومارهای دریای مرده بود که به ما نشان داد این افراد، این ماسورتی‌ها، چقدر در کارشان خوب بودند، زیرا در بیشتر موارد طومارها صحت متن ماسورتی را تأیید کرده‌اند.

بنابراین، شما فکر می‌کنید متن ماسورتی قدیمی‌ترین نسخه خطی ۹۰۰ میلادی و طومارهای دریای مرده که قدیمی‌ترین نسخه خطی از طومارهای دریای مرده احتمالاً حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد است، مربوط به سال کپی و کپی مجدد و کپی مجدد متن است و در تمام این مدت، تغییرات بسیار کم و بسیار جزئی ۱۱۰۰ در متن ایجاد شده است، زیرا در طول اعصار ۹۵٪ بله، ما طومار بزرگ اشعیا را به عنوان مثال در نظر می‌گیریم. ۹۵٪ از کلمات طومار بزرگ اشعیا با کلمات متن ماسورتی یکسان هستند. بیشتر تفاوت‌های بین طومار بزرگ اشعیا و متن ماسورتی ۹۰۰ میلادی ناچیز است.

از ۱۶۶ کلمه عبری در اشعیا ۵۳، که البته از نظر الهیاتی متنی بسیار مهم برای مسیحیان است. تنها ۱۷ که یک طومار اصلی، Q1SB حرف در طومار دریای مرده، طومار اشعیا، به ویژه طومار بزرگ اشعیا در ۱ اشعیا است، با متن ماسورتیک متفاوت است و ما در اینجا از یکی از طومارهای غار ۱ اشعیا استفاده می‌کنیم زیرا در آن بخش کامل‌تر است، اما به هر حال ده حرف فقط تفاوت‌های املائی دارند، بنابراین ۱۷ حرف در ده مورد متفاوت هستند. این تفاوت در املائی همان کلمه است، فقط به صورت متفاوت املا شده است. چهار حرف نشان‌دهنده برخی تغییرات سبکی هستند و در سه حرف، ما یک اضافه قابل توجه داریم و این در آیه ۱۱ است که در آن متن ماسورتیک آمده است: و پس از رنج روحش، بوق را خواهد دید.

طومار دریای مرده می‌گوید پس از رنج روحش. او نور را خواهد دید و همین عبارت در ترجمه هفتادگانی نیز یافت می‌شود. بنابراین، در این مورد، واضح است که یک کلمه در جایی از ترجمه جا افتاده است و انتقال متن و طومار دریای مرده موفق به تأیید صحت ترجمه‌ها و نادرست بودن متن ماسورتیک شده است.

گاهی اوقات طومارها متن ماسورتی را تصحیح می‌کنند، و این یک مثال کوچک و جالب است، مثلاً اشعیا اگر این را در نسخه کینگ جیمز بخوانید، که عملاً هیچ کس دیگر این کار را نمی‌کند، اما خب، ما این ۱۴، کار را خواهیم کرد. ما آن را به عنوان نسخه کینگ جیمز در نظر خواهیم گرفت. ترجمه کینگ جیمز بر اساس متن ماسورتی بود. بسیار خوب، پس در نسخه ۱۴، شما این ضرب‌المثل را علیه پادشاه بابل مطرح خواهید کرد و خواهید گفت که چگونه ظالم متوقف شده است. شهر طلایی متوقف شده است. خیلی خوب. خوب است که ضربه خوب آنها را امتحان کنید. منظورم شهر طلایی بابل است که منطقی به نظر می‌رسد، درست است؟ کلمه در متن ماسورتی ماده‌هاوا است. این تنها زمانی است که این کلمه در عهد عتیق hapax legomena ظاهر می‌شود، تنها مکان و بنابراین وقتی چیزی شبیه به این را می‌بینید، ما آن را می‌نامیم. وقتی چیزی شبیه به ناپدید شدن در عهد عتیق می‌بینید، باید حدس بزنید که به چه معناست.

باشد؟ یکی از راه‌هایی که حدس می‌زنیم مقایسه کلمه با زبان‌های مشابه دیگر، مانند آرامی، است و در این مورد، کلمه دهب در آرامی می‌تواند به معنای طلا باشد. خب، و شبیه کلمه عبری برای طلا است. اما از طرف دیگر، در طومار دریای مرده، طومار اشعیا، کلمه ماده‌هاوا نیست، بلکه ماه‌هاوا است، می‌توانید اینجا ببینید. اینجا یک تفاوت کوچک وجود دارد. ما یک دالت داریم که آن نوک تیز کوچک و زیبا را در بالا دارد.

و اینجا یک ریش داریم که در بالا منحنی دارد. من نسخه‌های خطی زیادی از طومار دریای مرده خوانده‌ام، و می‌توانم به شما بگویم که در دست‌خط بعضی افراد، دالت و ریش دقیقاً شبیه هم هستند.

شما اساساً در حال تصمیم‌گیری در مورد واژگان خود هستید و در این مورد، کلمه رهاو. می‌دانید، این کلمه با کلمه رهاب مرتبط است و به معنای متکبر بودن یا مغرور بودن یا از خود راضی بودن است. بنابراین، در این مورد، این یک کلمه عبری خوب است. می‌توانیم این را به راحتی بفهمیم. بنابراین به جای اینکه بگوییم شهر طلایی چگونه متوقف شد، تقریباً همه ترجمه‌های مدرن می‌گویند که متکبر چگونه پژمرده شد یا چیزی شبیه به آن یا از بین رفت یا چیزی شبیه به آن، درست است؟

بنابراین، در میان طومارهای دریای مرده، یکی از زمینه‌های بزرگ مطالعه این نسخه‌های خطی کتاب مقدس در حوزه‌ای است که ما آن را انواع متن می‌نامیم، و این حوزه‌ای بود که قبل از کشف طومارهای دریای مرده مورد مطالعه قرار می‌گرفت. اما، اکنون، ما داده‌ها را داریم، داده‌هایی که قبلاً هرگز نداشتیم، درست است؟ متن ماسورتیک، ترجمه هفتادگانی و سایر ترجمه‌های عهد عتیق گاهی اوقات سنت‌های مختلفی را منعکس می‌کنند.

باید اینجا عهد جدید را هم به این اضافه کنم، چون وقتی عهد جدید خیلی وقت‌ها از عهد عتیق نقل قول می‌کند، یک نقل قول هم از سپتواجینت نقل قول می‌کند و گاهی اوقات ما نمی‌دانیم از چه چیزی نقل قول می‌کند. می‌دانید، یک مثال خوب و معروف، او ناصری نامیده می‌شود، خب ما هیچ ایده‌ای نداریم که این از کجا آمده است. می‌دانید، ما نمی‌دانیم آنها این را از کجا نقل می‌کردند. ظاهراً آنها این را جایی در کتاب مقدس خود پیدا کرده‌اند، اما ما نمی‌دانیم کجا بوده است. اما به هر حال، ما متن ماسورتیک سپتواجینت را داریم.

ما این ترجمه‌های دیگر عهد عتیق را داریم که سنت‌های مختلفی را منعکس می‌کنند. گاهی اوقات، به نظر می‌رسد برخی از نسخه‌های خطی طومار اغلب با نسخه ماسورتیک یکسان هستند. در واقع، گاهی اوقات به نظر می‌رسد که آنها نسخه عبری را نشان می‌دهند که زیربنای سپتواجینت است. خب، سپتواجینت خیلی با متن ماسورتیک متفاوت نیست؟ اما گاهی اوقات تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. بنابراین گاهی اوقات وقتی به طومارهای دریای مرده نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که این اساس برخی از قرائت‌های سپتواجینت از موارد و ترجمه‌های خاص بوده است. گاهی اوقات، به نظر می‌رسد که آنها نقل قول‌های پشتیبان عهد جدید را نقل می‌کنند، مانند مورد مزمور ۲۲، که من اینجا به شما نشان خواهم داد. مزمور ۲۲:۱۶ در متن ماسورتیک مانند شیری که کارای دست و پای من است، می‌خوانیم. خب، به نظر نمی‌رسد که کاملاً منطقی باشد، درست است؟ خب، در عهد جدید، این آیه، مزمور ۲۲، به عنوان یک مزمور نبوی در عهد جدید در نظر گرفته می‌شود، و این آیه به داستان مصلوب شدن عیسی مربوط می‌شود، و به ما گفته شده است که در متن ka'aru دست‌ها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند. بسیار خب. حالا، کلمه سوراخ شده به جای خواهد بود ka'ari، ماسورتیک.

خب، می‌توانیم ببینیم که چطور چنین چیزی ممکن است. مگر نه؟ خب، اینجا موردی وجود دارد که در می‌خوانیم، بنابراین طومارهای دریای مرده در واقع از تفسیر ka'aru بلکه ka'ari طومارهای دریای مرده نه عهد جدید از آن آیه پشتیبانی می‌کنند.

پس بیایید در مورد طومارها و یهودیت و درک ما از یهودیت قبل از زمان عیسی صحبت کنیم، و همچنین یهودیت در زمان عیسی نیست، آیا می‌توانیم بگوییم این فرقه‌ای که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، چه کسانی هستند؟ چه کسی این چیزها را پنهان کرد؟ چرا آنها این چیزها را پنهان کردند؟ آیا آنها یک گروه واحد بودند یا گروه‌های مختلفی بودند؟ البته این به یکی از سوالات ۶۴۰۰۰ دلاری تبدیل شده است که تا به امروز همچنان مورد بحث است، اکنون چندین نظریه در مورد ریشه‌های طومارهای دریای مرده و البته

رایج‌ترین نظریه و نظریه‌ای که واقعاً در همان روزهای اولیه کشف طومارها مطرح شد و در واقع توسط آلبرایت، باستان‌شناس مشهور، مدت‌ها پیش پیشنهاد شد، این است که طومارها توسط اسنی‌ها نوشته شده‌اند.

خب، می‌دانید، وقتی شش طومار دارید، می‌توانید بگویید هی، ببینید، اسنی‌ها این شش طومار را وقتی ۹۰۰ طومار دارید، نوشته‌اند. از طرف دیگر، این کمی زیاد است، درست است؟ به خصوص اگر فقط ۴۰۰۰ اسنی در سراسر جهان مدیترانه پراکنده بودند. آیا هر انسانی کاتب بود؟ چه کسی می‌داند که آیا همه قوم خدا کاتب بودند، درست است؟ این ایده که متون از زندگی اسنی‌ها در قمران هستند، هنوز هم به همان روشی که می‌گویم، نظریه ارتدوکس ریشه‌های طومار است. ما می‌دانیم که در قمران، مواد نوشتاری پیدا شده است من نمی‌خواهم بیش از حد وارد شوم، زیرا به سرعت تبدیل به یک باستان‌شناس با صحبت‌های بیش از حد می‌شوم، اما می‌دانیم که در سکونتگاه قمران، چندین لایه سکونتگاهی مختلف وجود داشته است.

یا در ابتدا، احتمالاً در زمان پادشاهی حشمونیان به عنوان یک قلعه ساخته شده است. در نهایت، متروکه شد، و احتمالاً در زمانی که طومارها پنهان می‌شدند، به عنوان یک سکونتگاه کوچک برای افرادی که اجسادشان در آنجا روی آن سکو یا آن مسا در نزدیکی محل اجتماع دفن شده بود، خدمت می‌کرد. اما یک سکونتگاه، این ویرانه‌ها در قمران، خیلی سریع با طومارها مرتبط شدند، زیرا باستان‌شناسان در آنجا مشغول حفاری بودند. آنها گفتند آه، اینجا باید جایی بوده باشد که طومارها نوشته شده‌اند، و بخشی از این تفکر به این دلیل است که شما آن تصویر را در غار شماره چهار دیدید. شما آن تصویر را دیدید و یکی از تنها راه‌های ورود به آن مکان از بالا و پایین رفتن بود. بنابراین، در بالای آن فلات، جایی که آن سکونتگاه قرار داشت، قرار داشت و بنابراین طبیعی بود که این ارتباط را بین آن سکونتگاه در بالا و آن غار در پایین و تمام آن طومارهای پنهان شده در آنجا برقرار کنیم.

بنابراین، نظریه ارتدوکس این است که شما تعداد زیادی کاتب داشته‌اید که شب و روز در قمران کار می‌کردند و این متون را می‌نوشتند. خالص‌ترین شکل این نظریه این است که تقریباً هیچ کس دیگر آن را باور ندارد. می‌دانید، امروزه تقریباً همه به این نتیجه رسیده‌اند که، نه، آنها نمی‌توانستند همه این متون را در قمران نوشته باشند، بنابراین احتمالاً بسیاری از آنها در جاهای دیگر نوشته شده و در جاهای دیگر کپی شده‌اند، شاید سپس به قمران آورده شده‌اند و به عنوان کتابخانه اسنی‌ها خدمت کرده‌اند، زیرا آنها معتقدند که آنها آنجا بوده‌اند و اینکه آن طومارها سپس در غارها پنهان شده‌اند، احتمالاً در زمان شورش بزرگ در حدود ۶۷ تا ۷۰ میلادی یا ۷۴ اگر همه راه را تا نابودی ماسادا حساب کنید.

نظریه دیگر، و این یکی کمی ظریف‌تر است، این است که طومارها نه توسط اسنی‌ها، بلکه توسط فرقه‌ای شبیه اسنی‌ها نوشته شده‌اند. و من با این یکی کمی راحت‌تر هستم. یکی از دلایلی که من با این ایده که طومارها توسط اسنی‌ها نوشته شده‌اند مشکل دارم این است که کلمه اسنی هرگز در هیچ طومارهای دریای مرده ظاهر نمی‌شود.

ترجمه کرد، هرگز در طومارهای دریای مرده دیده نمی‌شود. اگر کلمه Essene هیچ چیز که حتی بتوان آن را به معنای ساختن یا انجام دادن یا چیزی شبیه به این asah همانطور که پیشنهاد دادم، از فعل Essene گرفته شده باشد، حتی در آن صورت هم آنها را در حال استفاده از این کلمه برای توصیف خود به هیچ به معنای جامعه می‌نامند yachah وجه نمی‌بینیم. آنها خود را

آنها هرگز از هیچ کلمه‌ای که شبیه اسن به نظر برسد استفاده نکردند. به عبارت دیگر، آنها خود را اسنی معرفی نکردند. ممکن است کس دیگری آنها را اسنی معرفی کرده باشد، اما هیچ راهی وجود ندارد که این افراد خود را اسنی معرفی کرده باشند.

خب، حدس می‌زنم مشکل اصلی من همین است. یک فرقه شبیه اسنی‌ها؟ خب، این قطعاً یک احتمال است. نظریه دیگر این است که طومارها توسط یک فرقه یهودی دیگر نوشته شده و سپس در نزدیکی قمران پنهان شده‌اند، و هویت این فرقه کاملاً مورد بحث قرار گرفته است.

این ایده که آنها توسط متعصبان نوشته شده‌اند، خیلی زود توسط شخصی به نام سیسیل روث مطرح شد. سیسیل روث معتقد بود که این متون توسط متعصبان در اورشلیم نوشته شده و در آنجا جمع‌آوری شده‌اند. اگر طومار جنگ را بخوانید، می‌بینید که سیسیل روث ایده‌های خود را از کجا آورده است.

این ایده که این افراد با اشتیاق منتظر نبردی بودند که قرار بود علیه رومی‌ها داشته باشند. خب، این شبیه متعصبان به نظر می‌رسد. بنابراین، سیسیل راث معتقد بود که آنها توسط متعصبان نوشته شده‌اند.

مایکل وایز در سال‌های اخیر این نظریه را احیا کرده و دوباره توجه‌ها را به آن جلب کرده است. اما این نظریه در بین اکثر محققان چندان مورد قبول نیست. محقق دیگری پیشنهاد کرده است که این فرقه در واقع صدوقی بوده‌اند.

و جای تعجب نیست که او ایده خود را بر اساس اعمال فرقه‌ای منعکس شده در طومارها بنا می‌کند. و کاری که او انجام می‌دهد این است که این چیزها، این طومارهای دریای مرده و برخی از اعمال را با آنچه در میشنا و تلمود به عنوان اعمالی که به صدوقیان نسبت داده می‌شود، می‌بیند، مقایسه می‌کند. و او، به عنوان یک محقق یهودی، تأکید بسیار بیشتری بر راست‌رفتاری نسبت به راست‌کیشی دارد.

و بنابراین، او می‌گوید که فرقه‌ی طوماری باید صدوقی بوده باشد. خب، من در واقع در سمیناری بودم که در مورد شایستگی‌های این نظریه بحث می‌کردیم. و نمی‌خواهم خیلی به آن محقق بی‌احترامی کنم چون او محقق خوبی است.

اما به نظر ما رسید که برخی از قرائت‌های او از طومارهای دریای مرده احتمالاً صحیح نبوده است. و حتی برخی از قرائت‌های او از میشنا نیز ممکن است صحیح نبوده باشد. اما به هر حال، به نظر نمی‌رسد که این یکی به جز افرادی که معمولاً جزو دانشمندان یهودی هستند، توجه زیادی را به خود جلب کرده باشد.

این یکی را کمی پراکنده خواهید دید. اما عملاً تمام باورهایی که به صدوقیان نسبت داده می‌شود، باورهایی مانند، مثلاً، فرشتگان. ما انواع و اقسام چیزها را در مورد فرشتگان در طومارهای دریای مرده می‌بینیم، که انواع و اقسام کارها را انجام می‌دهند.

درست است که صدوقیان باور نداشتند که فرشتگان در زندگی ما دخالت دارند؟ چیزهایی مثل ایده زندگی پس از مرگ. حداقل یک طومار، شاید چند طومار دیگر، وجود دارد که در مورد زندگی پس از مرگ و رستاخیز مردگان صحبت می‌کند. واضح است که فرقه طومار دریای مرده، مانند فریسیان، به سنت‌های شفاهی اهمیت زیادی می‌دادند.

بنابراین، در بسیاری از این مسائل اصلی که صدوقیان را تعریف می‌کنند، این فرقه متفاوت است. و به نظر من، هیچ راهی برای تطبیق باورها و رساله‌های طومارهای دریای مرده در مورد برخی از باورهای آنها با باورهایی که در میان صدوقیان می‌یابیم، وجود ندارد. نکته قابل توجه این است که تعدادی از مردم سعی کرده‌اند استدلال کنند که طومارهای دریای مرده نمایانگر جنبش اولیه مسیحیت است.

اینها شامل افرادی مانند باربارا تورینگ می‌شود که مدت‌ها پیش با نوشتن یک کتاب پول هنگفتی به جیب زد، رابرت آیزنمن، باگنت و لی که به نوعی به خاطر نویسندگی مشهور بودند؛ فکر می‌کنم کتاب آنها «خون

مقدس، جام مقدس «بود که نسخه‌های زیادی از آن به فروش رفت. اما چندین نفر از این افراد واقعاً از چیزی که باید به عنوان بعیدترین، به نظر من، نظریه منشأ طومار در نظر گرفته شود، اما واقعاً توجه بسیاری از مردم را به خود جلب می‌کند، بهره‌برداری کرده‌اند. نقاط قوت این موضع چیست؟ خب، در طومارهای دریای مرده، شما این معلم درستکاری را دارید که توسط یک کشیش شرور مورد آزار و اذیت قرار گرفت.

هی، مسیحیت، درسته؟ عیسی توسط کاهن اعظم شرور مورد آزار و اذیت قرار گرفت. بفرمایید. شما هم همین دغدغه رو در مورد فرشتگان و ارواح دارید.

بعد یه سری تکیه کلام‌هایی مثل نور و ظلمت هست که خیلی جاها تو کتاب یوحنا و جاهای دیگه عهد جدید می‌شنویم. عهد جدید یکی از عباراتیه که استفاده می‌کنن. البته، این از کتاب ارمیا اومده، ولی خب

جامعه. و بنابراین، چندین نفر از این تشابهات کوچک بین مسیحیت و فرقه طومارهای دریای مرده استفاده کرده‌اند و مشخص کرده‌اند که فرقه طومارهای دریای مرده باید همان مسیحیان، جنبش اولیه مسیحیت بوده باشد. و البته این قبل از آن بود که جنبش مسیحی توسط سنت پولس به طور کامل بازسازی شود و در نسخه‌ای خوشایندتر از پولس بازآفرینی شود.

نقطه ضعف این نظریه این است که هیچ شخصی به نام عیسی در هیچ کجای طومارهای دریای مرده وجود ندارد. نه عیسی، نه یاهوشع، نه یسوعا، نه هیچ کدام از اینها. بنابراین، هیچ جا از عیسی نامی برده نشده است.

هرگز گفته نشده است که معلم کفاره گناهان کسی را می‌دهد. و بعد کل ماجرای ستیزه‌جویی طومارهای دریای مرده مطرح می‌شود. عیسی این نکته‌ی شگفت‌انگیز را در مورد شما داشت. در گذشته شنیده‌اید که گفته شده: همسایگان خود را دوست بدارید و از دشمنان خود متنفر باشید، اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را دوست بدارید.

شما این جمله را در هیچ کجای طومارهای دریای مرده پیدا نخواهید کرد. در واقع، قانون جامعه، آن سند بنیادی، می‌گوید که شما باید تا روز انتقام، با نفرت کامل از پسران تاریکی متنفر باشید. در واقع، برخی افراد گفته‌اند که شاید سخنان عیسی خطاب به افرادی بوده است که به آن فرقه دریای مرده جذب شده بودند، هر کسی که بودند.

و سپس این واقعیت ساده وجود دارد که طومارها خیلی قدیمی بودند. آنها حداقل ۱۰۰ سال قبل از زمان عیسی و احتمالاً بیش از ۱۵۰ سال قبل از آن پدید آمدند. بنابراین، ما در اینجا چندین احتمال مختلف داریم.

یکی از نظریه‌هایی که مطرح شد و مدتی محبوب بود و اکنون به نوعی اعتبار خود را از دست داده است، این بود که طومارها توسط هیچ فرقه یهودی خاصی نوشته نشده‌اند، بلکه نمایانگر تمام فرقه‌های مختلف یهودی هستند. کاملاً واضح است که دیدگاه‌های مختلفی در طومارهای دریای مرده وجود دارد، اما همچنین کاملاً واضح است که هسته اصلی متون، نمایانگر یک ایدئولوژی واحد است. بنابراین، به نظر من این ایده که یک فرقه واحد وجود داشته که به نوعی پشت این متون بوده، غیرقابل انکار است.

آنها که بودند؟ من فقط به همان چیزی که شبیه اسن‌ها بود بسنده می‌کنم، باشه؟ یک فرقه درباره خودشان چه می‌گویند؟ خب، اینجا چند نسخه مختلف وجود دارد. ما سند دمشق را داریم که قبلاً در مورد آن صحبت کردم. و ما قانون جامعه را داریم.

این گروه می‌گوید که در عصر خشم برای جستجوی خدا گرد هم آمده‌اند. عصر خشم چه بود؟ احتمالاً زمان حشمونیان. به احتمال زیاد منظور آنها در اینجا همین است.

پس از آنکه آنها چهل سال در جستجوی خدا بودند، خدا معلم پارسایی را برانگیخت که آنها را به سوی حقیقت رهبری کرد. حال، آن معلم، همانطور که شما می‌گویید، توسط یک کاهن شرور مورد آزار و اذیت قرار گرفت و مجبور به فرار شد. و او با پیروانش به دمشق گریخت.

و اینجا دوباره، سوالاتی مطرح شده است که آیا این به معنای واقعی کلمه دمشق است، مانند شهر دمشق که هنوز هم وجود دارد، یا اینکه این نوعی توصیف نمادین از مکانی دیگر است. و بسیاری از مردم ادعا کرده‌اند که این در واقع به معنای قمران است. خب، قمران از دمشق خیلی دور است و هیچ شباهتی به دمشق ندارد، اما خب، می‌دانید، هر چه که برای شما مناسب باشد، درست است؟ این فرقه در آن زمان در بیابان دمشق زندگی می‌کرد.

حالا، دوباره اینجا، شما می‌گویید، آه، بیابان. آیا این به معنای وسط بیابان یا چیزی شبیه به آن نیست؟ خب، نه لزوماً به این دلیل که این افراد تمایل داشتند بیابان را به عنوان هر مکانی که از نظر معنوی متعلق به آنها نبود، در نظر بگیرند. بنابراین، آنها تا زمان فرا رسیدن روز انتقام، که زمانی بود که قرار بود علیه ظالمان قیام کنند، در بیابان دمشق زندگی می‌کردند.

و این اتفاق ۴۰ سال پس از مرگ معلم پارسایی رخ می‌دهد. بنابراین، جالب است. و دوباره، باید از اف. اف. بروس، که محقق فوق‌العاده‌ای بود، تشکر کنم.

اف. اف. بروس اینجا کمی محاسبات انجام داد و تعدادی عدد و غیره ارائه داد و متوجه شد که گاهشماری آنها در واقع بر اساس گاهشماری ۷۰ هفته‌ای کتاب دانیال است. بنابراین، یک بار دیگر، می‌بینیم که چگونه فرقه طومارها بسیار مدیون کتاب دانیال بودند و با خود فکر می‌کنند، چرا دارند از هم جدا می‌شوند؟ و در جلب می‌کنم. بیابید اینجا کوتاه صحبت کنیم QMMT اینجا توجه شما را به 4

است. متن بسیار ناقص است QMMT این یک بخش است. این یکی از بزرگترین بخش‌های 4QMMT،

این متن در چند نسخه خطی مختلف وجود دارد و ما سعی می‌کنیم تا حد امکان بخش‌هایی از آن را کنار هم قرار دهیم، زیرا می‌دانیم که متن مهمی بوده است. به طور واضح بیان شده است. ظاهراً این یک نامه بوده است.

و در پایان یکی از نسخه‌های خطی، آنها طرح کلی را مشخص می‌کنند و نسبت به هر کسی که این نامه را برایش می‌نویسند، بسیار چاپلوسانه رفتار می‌کنند. ما این را برای تو می‌نویسیم چون می‌دانیم که تو آدم فوق‌العاده‌ای هستی. تو می‌خواهی کار درست را انجام دهی.

شما قدرت ایجاد این تغییرات مورد نیاز ما را دارید. اما فقط به داوود و پادشاهان بزرگ باستان فکر کنید و اینکه چگونه میراثی ماندگار از خود به جا گذاشتند. شما هم می‌توانید میراثی بزرگ از خود به جا بگذارید اگر کارهایی را که به شما می‌گوییم انجام دهید.

این نامه خطاب به چه کسی نوشته شده است؟ در مورد این موضوع زیاد بحث شده است. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که خطاب به یک هاسمونایی نوشته شده است. من اینطور فکر نمی‌کنم.

این افراد از حشمونیان خوششان نمی‌آمد. گمان من این است که این نامه واقعاً کمی دیرتر از آن چیزی است که اکثر مردم فکر می‌کنند، و احتمالاً برای یکی از، خب، احتمالاً برای یکی از جانشینان هیروود نوشته شده است، نه خود هیروود، زیرا هیچ‌کس هیروود را دوست نداشت، بلکه برای یکی از جانشینانش، یکی از نوادگانش که از او پرهیزگراتر محسوب می‌شد. به هر حال، چه می‌گوید؟ درست با این تفاوت بین تقویم‌های شمسی و قمری شروع می‌شود.

تقویم قمری بر اساس رصد ماه است، و این برای جوامع کشاورزی چیز فوق‌العاده‌ای است زیرا کاری که می‌توانید انجام دهید این است که می‌توانید شب‌ها به ماه نگاه کنید، و اگر ماه کامل باشد، می‌گویید، آه وقت آن است که محصولات را به بازار ببرید یا هر چیز دیگری. اگر ماه نو باشد، می‌گویید، ماه نو، ماه نو. و حتی می‌توانید در زبان هم ارتباطات را ببینید، درست است؟ زیرا کلمه ماه از همان ریشه کلمه ماه می‌آید و همین موضوع در زبان عبری نیز صادق است.

بنابراین، این جوامع کشاورزی اغلب زندگی خود را بر اساس مراحل ماه بنا می‌کردند. بنابراین، شما هر ماه را دارید و در میشنا در مورد این سوال صحبت می‌شود که کدام شهر ماه نو را مشاهده می‌کند و سپس اعلام می‌کند که ماه آغاز شده است و اینگونه تصمیم می‌گیرند که چه زمانی جشنواره‌های مختلف خود را برگزار کنند. مشکلی در تقویم قمری وجود دارد و آن مشکل این است که سال قمری در واقع کوتاه‌تر از سال خورشیدی است.

سال شمسی، البته، مدت زمانی است که طول می‌کشد زمین یک دور به دور خورشید بچرخد. و بنابراین مشکل این واقعیت که سال قمری کوتاه‌تر است این است که هر سالی که می‌گذرد، اگر فقط با ماه‌های قمری حساب کنید، خب، ۱۲ ماه قمری، می‌شود یک سال، اما حالا سال شما از سال شمسی کوتاه‌تر است و هنوز سال بیشتری باقی مانده است. و بنابراین، اتفاقی که می‌افتد این است که جشنواره‌های شما که مثلاً در ماه دوازدهم یا چیزی شبیه به آن جشن گرفته می‌شوند، در طول سال بیشتر و بیشتر به عقب برمی‌گردند.

و بنابراین، قبل از اینکه متوجه شوید، اگر کاری در مورد این موضوع انجام ندهید، جشنواره‌های برداشت بهاری خود را در اواسط زمستان جشن خواهید گرفت. کاری که آنها انجام دادند این بود که از فرآیندی به نام کبیسه‌گیری استفاده کردند، که در آن دو بار در هر هفت سال یک ماه اضافی به تقویم اضافه می‌کردند. بنابراین، ماه اول را خواهید داشت و ۱۲ ماه و سپس چند سال سال کبیسه خود را خواهید داشت که در آن یک ماه کامل اضافی خواهید داشت.

البته امروزه هنوز سال‌های کبیسه داریم، اما سال‌های کبیسه ما فقط یک روز هستند نه یک ماه کامل. به هر حال، جامعه‌ی طومار دریای مرده و هواداران‌شان یا افرادی که در واقع پیش از آنها بودند، هر کسی که کتاب جوبیل‌ها را نوشته، ما نمی‌دانیم چه کسی کتاب جوبیل‌ها را نوشته، اما کسی که کتاب جوبیل‌ها را نوشته گفته، اشتباه، اشتباه، اشتباه، اشتباه، اشتباه. همیشه نیت خدا این بوده که ما از تقویم شمسی استفاده کنیم.

و بنابراین، جامعه‌ی طومارهای دریای مرده با این جمله شروع کرد که تقویم شما باید این‌طور باشد. و آنها داشتند که شرح می‌داد هر یک از اعیاد چه زمانی برگزار می‌شوند QMMT یک لیست بلندبالای خوب در 4 کجا برگزار می‌شوند، روز سبت آنها کجا خواهد بود و غیره، و غیره، که بر اساس تقویم قمری به جای تقویم شمسی بود. این موضوع برای آنها خیلی مهم بود زیرا سوال این است که اگر مثلاً مراسم روز کفاره را در روز درست انجام ندهند، آیا این کار جواب می‌دهد؟ فرقه‌ی طومارهای دریای مرده می‌گفت، نه، جواب نمی‌دهد.

اگر آن را در روزی که قرار است انجامش دهید، در روزی که خدا به شما دستور داده انجامش دهید، انجام ندهید، کل مراسم بی‌معنی است. و گناهان مردم، تقصیر مردم را از بین نبرده است. بنابراین، این موضوع برای آنها بسیار مهم بود.

مسئله دیگر، فساد اخلاقی کاهنان بود. و منظور آنها از فساد اخلاقی این بود که آنها شریعت را آنطور که فکر می‌کردند باید رعایت کنند، رعایت نمی‌کردند. من قبلاً در مورد مسئله شستن دست‌ها صحبت کردم، این واقعیت که آنها احساس می‌کردند کاهنان دست‌های خود را اشتباه می‌شویند.

اما این تازه آغاز مشکل بود. مشکلات دیگر این بود که ظاهراً کاهنان به سگ‌هایشان اجازه می‌دادند وارد محوطه معبد شوند. و می‌گویند سگ‌ها به گوشت قربانی‌ها دستبرد می‌زدند و استخوان‌ها و گوشت قربانی‌ها را می‌خوردند.

و این، البته، مثل این است که چیزی را که مقدس است، جلوی سگ‌ها، جلوی این مردم، بیندازید. نه، شما نمی‌توانید این کار را بکنید. ازدواج با خارجی‌ها

بزرگ، بد، نه. این کار را برای این افراد انجام ندهید. و دوباره، این به کتاب یوبیل‌ها برمی‌گردد.

چیزهای دیگری که مربوط به استفاده از خاکستر برای گوساله ماده، برای مراسم گاو نر قرمز بود. همه این نکات کوچک و به ظاهر بی‌اهمیت قانون، اما برای همه آنها بسیار بسیار مهم بودند. قوانین ازدواج

سوالاتی از جمله اینکه با چه کسی می‌توانید ازدواج کنید، چه زمانی می‌توانید ازدواج کنید، از چه کسی می‌توانید طلاق بگیرید. همه این موارد. اینها مسائلی هستند که آنها نیز به آنها پرداختند

من قبلاً به شستن دست‌ها اشاره کردم. همچنین، شستن بدن موضوع دیگری بود که آنها مطرح کردند. بنابراین، خیلی خلاصه، اجازه دهید سعی کنم کمی اینجا جمع‌بندی کنم.

در ابتدای این سخنرانی اشاره کردم که یک محقق کتاب مقدس گفت که نمی‌تواند به هیچ چیزی فکر کند، که طومارهای دریای مرده واقعاً به دانش ما در مورد مطالعات کتاب مقدس کمک کرده باشد. خوب، البته ما می‌دانیم که کشف طومارهای دریای مرده نه تنها متنی را که از قبل داشتیم تأیید کرده است، بلکه متنی را که داشتیم از جهات مختلفی بهبود بخشیده است، زیرا طومارهای دریای مرده را با برخی از نسخه‌های خطی باستانی مقایسه کرده‌ایم. می‌توان گفت چیزهای دیگری که برای ما بسیار مهم بوده‌اند، طومارهای دریای مرده هستند که تصویر ما را از زمانی که کتاب مقدس به شکلی که ما آن را عهد عتیق می‌دانیم، به دست آورد، کاملاً مبهم کرده‌اند.

یوسفوس، در اثرش علیه آپیان، کاملاً واضح می‌گوید که یهودیان یک مجموعه ثابت از کتب مقدس داشتند. فکر نمی‌کنم محققان به اندازه کافی بر این موضوع تأکید کرده باشند، زیرا بسیاری از ما نشستیم و سرمان را می‌خارانیم و می‌گوییم، اوه، ما نمی‌دانیم مجموعه کتب مقدس چه زمانی تمام شده است. ما می‌دانیم که حداقل تا سال ۹۰ میلادی تمام شده است. زیرا یوسفوس می‌گوید، برخلاف شما یونانیان، می‌دانید، شما یونانیان، انواع کتاب‌های مقدس را دارید و همه آنها با یکدیگر متناقض هستند.

اما ما یهودیان نه، آقا نه. ما یک مجموعه کتاب مقدس داریم که فقط از ۲۲ کتاب تشکیل شده است. حساب و کتاب نکنید.

اما به هر حال، این کتاب فقط از ۲۲ کتاب تشکیل شده است. اگر به یاد داشته باشید که ۱۲ پیامبر کوچک، یک کتاب محسوب می‌شوند، مفید خواهد بود. به هر حال، ۲۲ کتاب، و آنها هرگز با یکدیگر در تضاد نیستند.

خب، این یوسفوس است، ۹۰ میلادی. او فکر می‌کند، و در ادامه می‌گوید، که هیچ‌کس هرگز خواب اضافه کردن چیزی به کتاب‌هایی که ما مقدس می‌دانیم را نمی‌بیند. بنابراین، به می‌شناسید، و می‌بینید که در می‌شناسید هنوز در مورد اینکه آیا غزل سلیمان باید بخشی از کتاب مقدس در نظر گرفته شود یا نه، و اینکه آیا کتاب جامعه باید بخشی از کتاب مقدس در نظر گرفته شود یا نه، و اینکه آیا کتاب استر باید بخشی از کتاب مقدس در نظر گرفته شود یا نه، صحبت می‌شود. برداشت من این است که همه این استدلال‌ها در آن زمان واقعاً نظری بودند، زیرا یوسفوس چنان اصرار دارد که این سوال، به گفته او، تا زمان او در ۹۰ تا ۱۰۰ میلادی حل شده است. اما این سوال که چه زمانی حل شد، برای ما مهم است زیرا ما نمی‌دانیم ۱۰۰

چیزی که ما می‌دانیم این است که برخی از کتاب‌هایی که ما آنها را کتاب مقدس نمی‌دانیم، مانند یوبیل‌ها، در برخی از طومارهای دریای مرده به عنوان کتاب مقدس نقل شده‌اند. و کتابی که ما می‌دانیم کتاب مقدس است، کتاب استر، قطعاً توسط فرقه دریای مرده به عنوان کتاب مقدس تلقی نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد، هنگامی که این طومارها جمع‌آوری و گردآوری می‌شوند، حداقل در میان این گروه، سؤالاتی در مورد اینکه چه چیزی باید کتاب مقدس در نظر گرفته شود و چه چیزی نباید، وجود داشته است.

که، همانطور که می‌گویم، آب آنچه را که قانون اساسی بود، بیشتر گل‌آلود می‌کند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد توافق زیادی وجود داشته است. در بیشتر موارد، هر آنچه را که ما به عنوان کتاب مقدس می‌بینیم، آنها نیز به عنوان کتاب مقدس می‌دیدند، به استثنای احتمالی استر.

بنابراین، کتاب مقدس، همانطور که ما می‌دانیم، تقریباً در حدود ۱۵۰ سال قبل از میلاد، یعنی کتاب مقدس عبری، وجود داشته است. برخی از سؤالات هنوز در حاشیه باقی مانده بودند. اما در بیشتر موارد، هنوز تقریباً حل و فصل شده بودند.

روش تفسیر کتاب مقدس که در طومارهای دریای مرده استفاده می‌شود، قبلاً به چند نمونه از این روش اشاره کرده‌ام، در مورد اینکه چگونه متنی را که ممکن است نبوی تلقی شود، در نظر می‌گیرند، و مثلاً چیزی شبیه به آن تفسیر حبقوق که به آن اشاره کردم را در نظر می‌گیرند. کتاب حبقوق درباره آمدن بابلی‌ها برای استفاده به عنوان ابزاری برای قضاوت علیه قوم خدا است. خب، در تفسیری که فرقه طومارهای دریای مرده ارائه می‌دهد، بابلی‌ها مطرح نیستند.

نه، آن بابلی‌ها در واقع رومی‌ها هستند. بنابراین، آنها آن متن را می‌گیرند و کلمات آن متن را در موقعیتی که در زمان خود با آن روبرو هستند، به کار می‌برند. و می‌بینیم که آنها این کار را بارها و بارها انجام می‌دهند.

بعضی از متون، بعضی از پیشگویی‌هایی که در ابتدا به مثلاً یک ملت یا چیزی شبیه به این اشاره داشتند، در مورد فردی مانند معلم عدالت صدق می‌کنند. حالا، گاهی اوقات، وقتی عهد جدید را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که ظاهراً این افراد اصلاً کتاب مقدس را نخوانده‌اند، زیرا کارهایی با متن انجام می‌دهند که ما هرگز آن را مشروع نمی‌دانیم. آنها متنی را به عیسی نسبت می‌دهند که واقعاً به نظر نمی‌رسد هیچ ارتباطی با عیسی داشته باشد.

اما اکنون با طومارهای دریای مرده و تفاسیری که در آنها می‌یابیم، می‌توانیم ببینیم که آنچه نویسندگان عهد جدید انجام داده‌اند، در زمان خود کاملاً مشروع تلقی می‌شد، که آن پایه‌ها از قبل بنا نهاده شده بودند، و اینکه آنها از سابقه‌ای که در طومارهای دریای مرده می‌بینیم پیروی می‌کردند. فرقه طومارها در انتظار نبرد

قریب الوقوع علیه رومیان به رهبری شاهزاده خود زندگی می کردند. و این به نوعی نگرش غالب آن زمان را آشکار می کند.

وقتی به زمان رومی ها می رسیم، یهودیه به دلایل مختلف مثل یک دیگ جوشان است. یکی از دلایلی که من در جاهای مختلف استدلال کرده ام، این است که آیا تا به حال این جمله را شنیده اید که اگر به یک پسر چکش بدهید، متوجه می شود که همه چیز نیاز به میخ زدن دارد؟ خب، من پایان نامه ام را در مورد کتاب دانیال نوشتم و بنابراین دانیال را همه جا می بینم. اما من تأثیر و تمرکز بر دانیال را در این دوره بسیار زیاد می بینم و اینکه این افراد، عمدتاً بر اساس قرائت های کتاب دانیال، معتقد بودند که در آستانه پایان جهان، حداقل این جهانی که آنها می شناسند، زندگی می کنند.

آنها از این بابت احساس خوبی داشتند، زیرا جهانی که در راه بود، بهتر خواهد بود، زیرا آنها قرار بود زمام امور را در دست داشته باشند. بنابراین، به هر حال، همین طرز فکر، البته، در عهد جدید نیز دیده می شود. زندگی می کنند، در متون عهد جدید نیز وجود دارد (eschaton) و همین حس که آنها در آستانه ی فرجام

و جالب است که در یکی از متون قومران، یکی از طومارهای دریای مرده، خوانده بودیم که چگونه آنها پیش بینی کرده بودند که روز انتقام ۴۰ سال پس از مرگ معلم عدالت فرا خواهد رسید. و در یکی از طومارهای دریای مرده، در یکی از این تفاسیر کتاب مقدس، آنها می گویند، خب، زمان آخرالزمان تمدید شده است، زیرا اسرار خدا غیرقابل درک است. بنابراین، این افراد اینجا بودند، آنها مطمئن بودند که ۴۰ سال پس از مرگ معلم، آنها برای نابودی رومیان قیام خواهند کرد.

من کاملاً مطمئنم که آن زمان فرا رسیده و گذشته است، و آنها هنوز در تعجبند که چه اتفاقی افتاده است و آنها گفتند، خب، می دانید، خدا زمان های آخر را طولانی کرده است، زیرا، می دانید، چه کسی می تواند خدا را درک کند؟ این خیلی من را به یاد کتابی خاص در عهد جدید می اندازد، جایی که کسی می گوید، و مردم می گویند، هی، وعده او کجاست؟ چرا ما هنوز شاهد وقوع آن نبوده ایم؟ و او می گوید، مگر نمی دانید، یک روز برای خداوند هزار سال است، و هزار سال یک روز است، و خداوند صبور است زیرا می خواهد افراد بیشتری بتوانند توبه کنند. بنابراین، این افرادی که اینجا در آستانه اشاتون و انتظارات اشاتون زندگی می کنند، خود را ناامید می بینند و مجبورند محاسبات و محاسبات خود را کمی از نو انجام دهند.

اما نگرش، انتظار، طرز فکر، همه آن چیزهایی که مشخصه فرقه طومارهای دریای مرده بودند، ما می بینیم که در کلیسای اولیه نیز منعکس شده اند. و به این ترتیب، می توانیم بگوییم، بله، می توان خطوطی را در اینجا ترسیم کرد، اما نه خطوط شجره نامه یا چیزی شبیه به فرقه طومارهای دریای مرده که مسیحیان را به دنیا آورد، بلکه خطوط قیاس. ما یکی داریم که می توانیم آن را فرقه هزاره بنامیم. من کلمه هزاره را دوست دارم، افرادی که در انتظار و انتظار پایان و نقش خود در آن زندگی می کنند.

و سپس فرقه دیگری داریم، فرقه مسیحیان، که آنها نیز در انتظار آمدن اشاتون و نقش خود در آن زندگی می کنند. و هر دو گروه با گذشت سال ها و نرسیدن به پایان مورد انتظارشان، با معنای آن دست و پنجه نرم می کنند. بنابراین، چیزهای جالب، زمان های جالب، فوق العاده است که بتوانیم این متون را بخوانیم، بتوانیم کتابی را از قفسه بیرون بکشیم و آن را باز کنیم و بتوانیم تمام آن کلمات کوچک و مبهم نوشته شده توسط این افراد را بیش از ۲۰۰۰ سال پیش ببینیم.

این دکتر آنتونی توماسینو و آموزه های او در مورد یهودیت قبل از عیسی است. این جلسه یازدهم طومارهای دریای مرده است.